

خودشان، بچه‌ها خودشان...



فریدون عموراده خلیلی
نویسنده و روزنامه‌نگار و عضو شورای سیاست‌گذاری کتاب همداد سفید

یادداشت

اولش فقط یک فکر بود، یک فکر، یک دغدغه قدیمی که شاید از همان دهه ۶۰ شروع شد، از کتاب‌های سوره بچه‌های مسجد، حتی قدیم‌تر از آن، از زمانی که من نوجوانی ۱۰-۱۲ ساله بودم و عاشق کشش کتابی چینی! کتابی چینی را نمی‌دانم الان هست یا نه؟ ولی زمان بچگی ما بود و خیلی هم عالی بود. کف نرم و سبزر آجداری داشت و رویه کتابی، اغلب سفید و گاهی سیاه، ولی سبک‌جان بود. اما من با اینکه عاشق فوتبال بودم اغلب ازش محروم بودم. علتش این بود که نمی‌شد آن را در میهمانی پوشید و اگر قرار بود برای عید کشش نو بخریم، باید کشش چرمی شبرو می‌خریدم که باهاش حتی نمی‌شد یک توپ پلاستیکی را شوت زد.از همان موقع فکر می‌کردم چرا نباید کششم را خودم انتخاب کنم؟ من می‌فهمیدم که باید در چهارچوب بودجه خانواده‌ای که پدرش تازه فوت کرده انتخاب کنم. ولی خب، حق نداشتم انتخاب کنم!

شاید این همان داستانی باشد که در ناخودآگاهم رسوب کرده بود و بعدها در قالب این دغدغه سر بر آورد که چرا باور ما به بچه‌ها این همه لرزان و غبارگرفته است؟ چرا بچه‌ها نباید خودشان انتخاب کنند؟ خودشان بنویسند؟ نقد کنند؟ بسازند؟ و...

حتماً همین دغدغه بود که بعدها در خیلی جاها خودش را نشان داد؛ در کتاب‌های سوره بچه‌های مسجد، با چاپ آثار خود بچه‌ها؛ در سرشش نوجوان، با مجله در مجله؛ با جشنواره کتاب‌هایی که آرزو داشتیم بچه‌ها خودشان، خود خودشان انتخاب کنند؛ ولی نمی‌شد، کامل نمی‌شد، حتی در دوچرخه طلایی هم نشد که بشود!سال‌ها گذشت و گذشت، اما بچه‌ها بودند هنوز، کتاب‌ها بودند هنوز، نوشتن بود هنوز، این دغدغه هم بود هنوز... تا سال ۱۳۹۶. باورم نمی‌شد که بشود، اما شد!

در یک روز پاییزی بود یا بهاری؟ تابستان یا حتی زمستان... چه فرقی می‌کند کی؟ در اتاق دبیرکل نهاد کتابخانه‌ها اتفاق افتاد، در طبقه چهارم ساختمانی درخیابان فلسطین. باورم نمی‌شد که بشود، که شد! در کمال ناباوری دیدم که آقای مختاریور هم انگار همان دغدغه را داشت، اصلاً انگار این دغدغه همیشه بوده، هست و خواهد بود، در نهان، در لایه‌های زیرین ذهن و جان هر کسی که دغدغه بچه‌ها و کتاب را توأمان دارد...

قرار شد با محوریت نوجوان‌ها هر دو کار بشود: هم جشنواره‌ای، جایزه‌ای، فرصتی که بچه‌ها بتوانند انتخاب کنند، به کتاب‌ها رای بدهند و آثار محبوب‌شان را برگزینند و هم جایی که بتوانند آثارشان را چاپ کنند. این‌گونه بود که همداد سفید متولد شد، در همان اتاق طبقه چهارم ساختمان نهاد؛ از همان جا بال و پر گرفت و پروازش را آغاز کرد. «نشان همداد سفید»، شد همان نشانی که به محبوب‌ترین کتاب به انتخاب اعضای کودک و نوجوان کتابخانه‌های عمومی تعلق می‌گیرد. در یک مسیر طولانی اما دلپذیر، که از کتاب‌های پر امانت شروع می‌شود تا با امتیازدهی چند هزار عضو فعال، محبوب‌ترین کتاب‌ها بالا بیایند.

و «کتاب همداد سفید» شد همان کتاب صد و بیست- سی صفحه‌ای، که ۳۰ درصد از مطالبش را خود بچه‌ها، خود نوجوان‌ها می‌نویسند؛ نه از این دلتوشته‌های رماتیکی کلیشه‌ای مدرسه‌ای! نه... نوشته‌هایی سرشار از خلاقیت، خیال، اندیشه، نقد، شیطنت، نوجوانی، قصه، طنز، شوخی، جدی و همه چیز! نمی‌نویسند، خلق می‌کنند، به مفهوم کامل کلمه. و امروز وقتی به ۱۳ جلدی که از این کتاب منتشر شده نگاه می‌کنم، با خود فکر می‌کنم چه خوب بود آن روز پاییزی یا بهاری، تابستانی یا حتی زمستانی در اتاق طبقه چهارم ساختمان فلسطین. چه خوب و پربار و دلنشین! و کاش که این اتفاق با تکتثیر می‌شد در همه بهارها و پاییزها و تابستان‌ها و حتی زمستان‌ها!



با افتخار یک کتابدارم



الهه داوودی
کتابدار بخش کودک کتابخانه مرکزی امام خمینی (قدس سره) مشهد

یادداشت

به این امید که بتوانم کودکان مرز و بوم را با کتاب و دنیای علم و بازی آشنا کنم، روزم را آغاز و با شوقی وصفناپذیر به کتابخانه می‌روم؛ کتابخانه‌هایی که در گذشته هیچ امکاناتی برای کودکان نداشت و شاید دلیل این‌که به استقبال کم بود همین خشک بودن فضا و محل کتابخانه بود. اما حالا به کمک فکری جوان نهاد کتابخانه‌ها، اینجا پر از شور و شوق کودکانی است که همراه با مادر خود به تفریح و کسب مهارت پرداخته و یک روز به یاد ماندنی را برای خود رقم می‌زنند.

شهر فرنگ زیبا،مون، پر از فیلم‌های کودکان، در اتاق مادر و کودک آن هم اوقات شادی در محیطی سالم تدارک دیده شده و آداب و رفتار اجتماعی به کودکان آموزش داده می‌شود. اتاق بازی، اتاقی پر از رنگ و شادی است و انواع و اقسام بازی‌های فکری همراه با مربی، برای رده‌های سنی یک تا ۱۲ سال در آن مهیااست. برای شناساندن فرهنگ پارسی، جای کلاس‌های حافظ خوانی و شاهنامه‌خوانی به چشم می‌خورد که اکنون این کلاس‌ها با استقبال بچه‌ها روبه‌رو شده است. دنیای بچه‌های این دوره با زمان قدیم خیلی متفاوت است، پس بر آن شدیم تا تنوع مطالب را بیشتر و به روزتر کنیم، من، با افتخار یک کتابدارم، کتابداری که کودک دروم هنوز بیدار و سرزنده است. وقتی با یک ساله‌ها هستم با زبان کودکان شعر می‌خوانم و بازی می‌کنم. این سرزندگی و نشاط را مدیون روح پاک و لطیف کودکان کتابخوانی هستم که هر روز با سلامی کودکانه، به من، انرژی و توانی دوجندان داده و در این مسیر همراهم هستند. یک روز شاد و پربها، پر از خنده‌های کودکانه را تمام می‌کنم و بچه‌های یک به یک می‌روند و با یک وداع شیرین و لبخندی معصومانه، برای شروع فردایی دوباره، به من انرژی می‌دهند. کتابدار کودک بودن سعادتنی است که خداوند به من داده تا در این دنیای شلوغ، ساعتی را در کنار فرشتگانش، در آسمان الهی سیر کنم.

راهی دشوار اما شدنی

علیرضا مختاریور

دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور

برای آنها ماندگار خواهد ماند.

براساس وعده‌های صادق قرآن کریم این منشور آگاهی و رهایی و آزادگی و تعالی‌بخش، هرکس از خدمات کتابخانه‌های عمومی استفاده کند و بهره‌ای ببرد، اجری به ذخیره اخروی تمامی بانیان و حامیان و مشوقان و دست‌اندرکاران برپایی و بازسازی و تجهیز این کتابخانه خواهد افزود.

قرآن کریم به ما آموزش داده آنچه می‌ماند چیزی است که برای مردم نفعی داشته باشد و چیزی که برای مردم نفعی نداشته باشد، ماندگار نخواهد بود. کتابخانه جایی است که مردم از آن استفاده می‌کنند و

مهدی رضانی، معاون توسعه کتابخانه‌ها و ترویج کتابخوانی

نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور در گفت‌وگو با «ایران» مطرح کرد

کتابخانه‌ها در مسیر

تبدیل به پایگاه‌های اجتماعی

۳ هزار و ۶۳۱ کتابخانه عمومی تحت مدیریت نهاد

کتابخانه‌های عمومی فعالیت می‌کنند

مریم شهبازی

خبرنگار

دیگر زمانه فعالیت کتابخانه‌های عمومی با آن شکل و شمایل قدیمی و کارکرد سنتی‌شان گذشته. آنچه‌آن‌که نه فقط در عرصه جهانی، حتی در کشور خودمان هم سیاست‌گذاران این مراکز فرهنگی از ضرورت‌های روز می‌گویند و به سوی تحولات جهانی گام برداشته‌اند. و یگرردی که در نتیجه‌اش چند سالی است شاهد بازسازی و تأسیس کتابخانه‌ها بر اساس استانداردهای نوین در برخی استان‌ها هستیم؛ تغییراتی که افزایش بهره‌وری‌شان را در پی دارد و متولیان نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور کمر همت برای تحقق‌شان بسته‌اند. از بهترین مصادیق نسل جدید کتابخانه‌ها می‌توان نمونه‌هایی را در مشهد و بن‌غازی که در دستندج مشاهده کرد که منطق بر استانداردهای ساخته شده و مراجه‌کنندگان آنها شانس بهره‌مندی از مجموعه قابل توجهی از خدمات فرهنگی، هنری و اجتماعی را آن هم در فضا و ساختاری مدرن دارند. گفت‌وگوی امروزمان را با «مهدی رضانی» فعال فرهنگی و معاون «توسعه کتابخانه‌ها و ترویج کتابخوانی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور»، درباره تحولات سال‌های اخیر این نهاد و برنامه‌های پیش‌روی آن را می‌خوانید.

■ **در ابتدا از این بگویید که تعداد کتابخانه‌های نهاد در حال حاضر به چند باب رسیده است؟**

در حال حاضر ۲ هزار و ۶۸۵ کتابخانه نهادی در سراسر کشور داریم که با مجموع کتابخانه‌های مشارکتی و مستقل تعدادشان به ۳ هزار و ۶۳۱ کتابخانه و سالن مطالعه می‌رسد. از این بین حدود ۷۹۵ باب کتابخانه روستایی و ۳۶ کتابخانه هم سیار هستند و مابقی هم کتابخانه‌های شهری به شمار می‌آیند.

■ **به نظر می‌رسد در یکی-دو سال اخیر نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، عزم خود را بر گسترش فضای کتابخانه‌ها قرار داده. از مراکزی بگویید که در این چند سال احداث و افتتاح شده‌اند.**

در سال‌های اخیر، در کنار تلاش برای توسعه نرم‌افزاری و سخت‌افزاری کتابخانه‌ها و منابع مخازن به‌عنوان مغز آنها، روند گسترش کتابخانه‌های عمومی هم با جدیت دنبال شده است؛ اگرچه چند سالی است به‌لحاظ اقتصادی دوران سختی را سپری می‌کنیم. پیش‌برد پروژه‌های عمرانی کار ساده‌ای نیست، آن‌هم وقتی با مشکلات عدیده بودجه‌ای روبه‌رو باشیم. مقایسه امار قبل از سال ۹۲ و بعد از آن، که دوره مدیریت اخیر را شامل می‌شود، دشان می‌دهد که آن سال‌ها ۲ هزار و ۱۶۳ کتابخانه و حالا ۲ هزار و ۶۸۵ کتابخانه نهادی داریم. حدود ۵۱۲ مرکز اضافه شده است که عدد قابل توجهی است. حدود ۲۴ درصد به مجموعه کتابخانه‌های نهادی‌مان افزوده شده است، البته این به‌غیر از کتابخانه‌هایی است که در اثر فرسودگی یا حوادث طبیعی از دور خدمت خارج شده‌اند. از طرفی طی این سال‌ها در حوزه کتابخانه‌های مشارکتی با یک اتفاق بد روبه‌رو شده‌ایم. اگر سال ۱۳۹۲ را سال پایه در نظر بگیریم، باید بگوییم در آن زمان ۹۶۰ کتابخانه مشارکتی داشتیم و حالا ۸۶۷ کتابخانه داریم که در مجموع ۱۰ درصد کاهش روبه‌رو هستیم. می‌دانیم که کتابخانه مشارکتی با مشارکت نهاد برای تأمین منابع کتابخانه‌ای، تجهیزات و ارائه خدمات آموزشی کتابداری در قالب قرارداد‌های مشارکت مدنی اداره می‌شود.

محدوده ورود نهاد به کتابخانه‌های مشارکتی همین اندازه است که آن را قانون تعیین کرده است.

■ **این کاهش تحت تأثیر اوضاع اقتصادی نامطلوب سال‌های اخیر است؟**

متأسفانه در نتیجه شرایط اقتصادی، توان سرمایه‌گذاری و مدیریت کتابخانه‌ها از سوی بخش خصوصی کاهش پیدا کرده است. به همین دلیل انتظار چندانی از آنان نداشته‌ایم. از طرفی ما هم بودجه کافی نداشته‌ایم. با این‌حال طی سه سال اخیر توسعه کتابخانه‌های خصوصی و مستقل را هم دنبال کرده‌ایم. اگر با هم مبنای مقایسه را بر سه سال ۹۲ بگذاریم، در آن سال ۲۴ کتابخانه مستقل داشتیم. بر اساس قانون

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir

ایجاد تحول در وجود انسان هاست. چنانچه خود امام نیز فتح الفتوح را تغییر انسان‌ها می‌دانستند.

پس از انقلاب دشمنان به طریق دیگر و با تهاجم فرهنگی با استفاده از تکنولوژی‌های جدید و رسانه‌ها سعی در اثرگذاری بر جوانان و دور کردن آنان از آرمان‌های انقلاب داشتند. اما سال‌ها پس از انقلاب وقتی مسأله تکفیری‌ها و داعش به میان آمد همان

*خَرم آن کس که توشه اعمال سبزا
بهر بهار خرت انبار می‌کند*

انقلاب اسلامی ایران، انقلابی فرهنگی است که مهمترین دستاورد آن هم فرهنگی بوده و افزایش تعداد کتابخانه‌های عمومی، کتاب، کانون‌های آموزش و... از نشانه‌های آن هستند. اما اینها در مقابل آنچه دستاورد اصلی انقلاب است چیزی نیست و آن همان



گالری کتابخانه مرکزی امام خامنه ای سئندج

از نحوه ارائه خدمات آنها هم بهره گرفته‌ایم. با این‌حال صرفاً از ایده‌های موجود استفاده نکرده‌ایم و افزون بر استفاده از تجربه‌ها حتی در مواردی مدخ و مبتکر طرح‌های نو بوده‌ایم. در حال حاضر تولیدکنندگان تجهیزات و امکانات کتابخانه‌ای به به‌روز رسانی و استانداردسازی روی آورده‌اند. این نگاه است که نتیجه شده‌اند. آن را می‌توان در سطح کلان کتابخانه‌های عمومی کشور دید. در این رابطه خدمات متنوعی ارائه شده است؛ برای نمونه پیش‌تر فقط مخزن کتابخانه، سالن‌های مطالعه ویژه خانم‌ها یا آقایان و بخش نشریات را داشتیم. اما حالا بخش پایگاه‌های اطلاعاتی، دیداری شنیداری، اتاق علم و... اضافه شده است. از گذشته، بخشی هم برای مخاطبان نابینا در نظر گرفته بودیم که حالا تقویت شده‌اند. در حال حاضر تنها نهادی هستیم که خدمات کتابخانه‌ای به نابینایان ارائه می‌دهیم. بخش ناشنوایان هم به کتابخانه‌ها اضافه شده است.

■ **ارائه خدمات به مخاطبان نابینا و ناشنوا را در همه کتابخانه‌های نهاد لحاظ کرده‌اید؟**

همه مراکز استان‌ها ملزم به ارائه خدمات به ناشنوایان هستند. برای مخاطبان نابینا علاوه بر مراکز استان‌ها و کتابخانه‌های مرکزی، حدود ۶۰ کتابخانه امکان ارائه خدمات به این عزیزان را دارند. نهاد کتابخانه‌های عمومی تنها مرکزی است که تولید روشمند، پیوسته و... در حد توانایی، انبوه کتاب به خط بریل و تولید کتاب‌های صوتی را برای این مخاطبان انجام می‌دهد. کتابداران بخش نابینایان نهاد از جمله همکاران با انگیزه و زحمتکش ما هستند.

■ **بازگردیم به چند سؤال قبل: از کتابخانه ایلام شروع کردید، از بجنورد گفتید و البته توضیحاتی هم درباره کتابخانه مشهد ارائه کردید. روند این احداث‌ها همچنان با جدیت ادامه خواهد داشت؟**

بله، هرچند فراموش نکنیم که پیش‌تر هم در ۶ استان از جمله همدان و کسمنان هم کتابخانه‌های مرکزی احداث شده بودند، اما حالا روند تکمیل ساخت اینها در کل کشور با جدیت بیشتری دنبال می‌شود؛ ضمن آن‌که تنها به چگونگی ساخت اینها توجه نمی‌شود و نحوه ارائه خدمات به اشکال نوین هم مدنظر است. امروزه در عرصه جهانی، کتابخانه‌ها به یکی از مراکز مهم تبادل اطلاعات فرهنگی، اجتماعی و دیگر خدمات مورد نیاز ساکنان هر منطقه تبدیل شده‌اند که مبنای آنها بر اطلاع‌رسانی استوار است. بر اساس این منطق و در شرایط فعلی بیش از ۱۷۴ سرفصل آموزش کاربر عمومی برای کتابخانه‌ها تحت پوشش نهاد تعریف کرده‌ایم. از میان اینها به‌غیر از مواردی که دیگر خدمات مورد نیاز ساکنان هر منطقه تبدیل شده‌اند است. کتابخانه‌ها باید به محل حمایت محتوایی از استارت‌آپ‌ها و صنایع کوچک و همچنین محل آموزش کار و کارایی‌ای هم تبدیل شوند.

■ **تغییر کاربری کتابخانه‌های نهاد در مسیر فاصله گرفتن از توقع سنتی مخاطبان از این مراکز است؟**

هم تغییر توقع مخاطبان مطرح است و هم خواست افرادی که در این فضا مشغول کار هستند. این رویکردی جهانی است و در داخل کشور هم باید به‌طور جدی ادامه

جمله کودک، نشریات، آثار ویژه نابینایان و ناشنوایان نیز هستند که ظرفیت آنها جداست. احداث کتاب‌های مرکزی ظرفیت قابل توجهی به هر استان و در شکل کلی‌تر به فضای فرهنگی کشور اضافه می‌کند. توسعه کتابخانه‌های مرکزی را با نگاه توجه ویژه به مناطق کم برخوردار و محروم شروع کردیم. جالب است که سرانه فضای مطالعه در کلان‌شهرهای ما پایین‌تر از مناطق محروم است.

■ **گفته‌های مروجان کتابخوانی در مناطق کم‌برخوراری مثل سیستان و بلوچستان یا برخی مناطق مرزی، مصداقی از گفته شماست؛ این‌که ساکنان‌شان به مطالعه اشتیاق زیادی نشان می‌دهند...**

این به‌لحاظ سرانه مطالعه‌است. کلان‌شهری همچون تهران از جهت تعداد کتابخانه‌ها نیز با محرومیت روبه‌رو است، مثلاً در شهر تهران ۴۰ باب کتابخانه نهادی داریم، اگر تعداد کتابخانه‌های شهرداری را هم اضافه کنیم باز کمتر از تعداد مورد نیاز است. کتابخانه‌های مرکزی با توجه به امکانات و فضای بیشترشان، تا حدی این کمبود را جبران می‌کنند. نکته دیگری که نباید فراموش کرد این است که اگر چند کلان‌شهر مثل تهران، مشهد، تبریز، شیراز و اصفهان را کنار بگذارید، سایر شهرها مراکز فرهنگی دیگری جز کتابخانه ندارند.

■ **این‌که تأکید دارید مناطق کم‌برخوردار یا محروم، از سرانه مطالعه بالاتری برخوردار هستند از جهت همین فقدانی است که اشاره کردید؟**

عوامل مختلفی ذخیل است. یکی از عوامل همین فقدانی است که اشاره شد. این‌که استان‌ها از وجود دیگر مراکز فرهنگی محروم هستند تأثیر زیادی دارد. در تعریف کتابخانه‌های عمومی یکی از نکاتی که بر آن تأکید شده این است که در ارتباط با مخاطبان هیچ محدودیتی نداریم. از کودک تا افراد کهنسال، بدون در نظر گرفتن هیچ‌ام‌ا و اگری مثل سن و جنس و مذهب، باید قادر به استفاده از کتابخانه‌های عمومی باشند. این نگاه است که آن را دربار‌ه سایر مراکز فرهنگی- آموزشی نداریم. در کلان‌شهرها هم اگر فرهنگسراها را کنار بگذاریم، مابقی مراکز به طیف خاصی از مخاطبان محدود می‌شود. با چنین رویکردی به سمت تکمیل کتابخانه‌های مرکزی در سراسر کشور رفتیم. این پروژه با کتابخانه‌ایلام شروع شد. در کتابخانه بجنورد در خراسان شمالی، تغییرات اولیه در ارائه خدمات کتابخانه‌های مرکزی را شروع کردیم، به این معنا که نگاه به کتابخانه صرفاً محدود به سال مطالعه یا مخزن کتاب نشود.

■ **به معنای گسترش خدمات کتابخانه‌ای در دیگر حیطه‌های فرهنگی و هنری؟**

بله. در کتابخانه بجنورد، بخش کودک و نوجوان گسترده و گالری منطبق با استانداردهای امروزی دایر شد تا کتابخانه شکل یک مجموعه فرهنگی- هنری پیدا کند و خدمات بیشتری ارائه بدهد. در کتابخانه مرکزی مشهد که اواخر سال ۹۷ به بهره‌برداری رسید، وارد نسل جدیدی از کتابخانه‌ها شدیم. در این کتابخانه بیش از چهل فعالیت فرهنگی تعریف شده است. در کتابخانه مرکزی مشهد در طراحی فضا هم وارد دور تازه‌ای شدیم؛ از طراحی خود ساختمان و بخش‌های مختلف گرفته تا وسایل و چیدمان.

■ **در این زمینه چقدر از تجربه‌های جهانی بهره گرفته‌اید؟ به سراغ همه تجربه‌ها، چه از منظر معماری و طراحی و چه استانداردهای ساختاری رفته‌ایم و حتی**